

راه‌های تقویت دین‌باوری در جوانان

ابوالفضل ساجدی*

زهرا رضائیان**

چکیده

توجه به ارزش‌های دینی در جامعه و تقویت باورهای دینی جوانان، از نیازهایی است که باید همواره مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا دین با شناساندن مبدأ، مقصد و هدف زندگی، الگوی رفتاری خاصی را برای پیمودن مسیر زندگی به انسان می‌دهد و به زندگی معنا می‌بخشد. فطرت پاک و روح لطیف، جوان را برای هر نوع آموختن و پذیرش بهتر سخن حق آماده می‌سازد؛ زیرا دین بهترین پناهگاهی است که با ارائه جهان‌بینی صحیح، می‌تواند جوانان را در غلبه بر نومیدی، سرخوردگی و خروج از حیرت و سرگشتگی یاری کند؛ از این رو تقویت باورهای دینی جوانان ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا این باورها نقش مهمی در مصونیت آنان در مقابل این حمله‌ها و تأمین یک زندگی سالم دارند. معرفی و ارائه الگوهای شایسته به جوان، انذار و تبشیر، معرفی و تبیین صحیح دین و کارکردهای آن، شناسایی ظرفیت‌های جوان و بهره‌مندی از استعدادهايش، محبت به جوان و نرمی در رفتار با او، تقویت بینش دینی، معرفی چهره واقعی فرهنگ غربی، امر به معروف و نهی از منکر و بهره‌مندی از هنر برای ارائه آموزه‌های دینی، برخی از راهکارهایی است که سبب تقویت دین‌داری در جوانان می‌شود. این مقاله به روش کتابخانه‌ای و با هدف ارائه راه‌ها و روش‌های تقویت و بارورکردن پایه‌های مذهبی جوانان تألیف شده است.

کلیدواژه‌ها

جوانان، باورهای دینی، بهداشت روان، دین.

* دکترای فلسفه دین، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام. ab.sajedi.1395@gmail.com

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث. tahoraa.r@gmail.com

مقدمه

مهم‌ترین گرفتاری انسان امروزی، بی‌هدفی و بی‌معنایی در زندگی است. این احساس که ناشی از فراموشی خداوند به عنوان مبدأ و مقصد زندگی است، سبب شده انسان امروزی هنگامی که به پایان زندگی می‌اندیشد، آینده را تاریک و مبهم ببیند و از آن هراسان شود. این در حالی است که دین با فراهم‌ساختن یک نظام فکری و عقیدتی منسجم در چهارچوب مبدأ و معاد، واقعیت‌های زندگی را برای آدمی قابل فهم می‌کند تا آنجا که فرد احساس هدفمندی و معناداری در این جهان می‌کند. پژوهش‌های گوناگون درباره تأثیر ارزش‌ها و عقاید مذهبی در سلامت روانی افراد، بیانگر آن است که عقاید مذهبی موثرترین عامل سلامت انسان بوده و نقشی بسیار مهم در ارتقای بهداشت روانی دارد. دوران جوانی با توجه به بیداری مذهبی در جوان، فرصت بسیار مناسبی برای بارورساختن اندیشه‌های صحیح و رشد متعالی اندیشه‌های جوان و تأمین سلامت و بهداشت روانی وی است؛ فرصتی که در صورت کاهلی به‌راحتی از دست رفته و پیامدهای منفی آن، دامن هر فرد و جامعه‌ای را خواهد گرفت. روان‌شناسان دینی بر نقش دین در تسکین آلام و کاهش نومیدی بشر در زندگی اجتماعی، افزایش تحمل‌پذیری، تمکین توأم با آرامش و سرسپردگی و دستیابی به نوعی تشفی روانی و ایجاد شخصیت همساز تأکید کرده‌اند. از نظر ماکس وبر (Max weber) افراد جامعه همیشه نیاز روانی دارند که جهان را هدف‌دار و معنادار ببینند. محققانی همچون پیچ (Page) و کوپر اسمیت (Kupersmidt) نیز درباره ارتباط سلامت روان و احساس تنهایی بر این باورند که سطح سلامت روان، رفاه و بهزیستی بالای افراد، از میزان احساس تنهایی آنها می‌کاهد. برخی محققان ثابت کرده‌اند که احساس تنهایی با بسیاری از مشکلات روانی مانند عزت نفس پایین، کفایت اجتماعی پایین، تعاملات اجتماعی ضعیف و مشکلات سلامت ذهنی مانند اضطراب، افسردگی و رفتارهای معطوف به خودکشی، همبستگی دارد. این در حالی است که افرادی که از احساسات دینی قوی‌تری برخوردارند، کمتر دچار اضطراب، تنهایی و افسردگی می‌شوند (ر.ک: حسینی‌زاده آرانی و کلاتری، ۱۳۹۴: ص ۴۴-۲۵).

در حقیقت دین به عنوان بهترین نقطه اتکا، با ارائه جهان‌بینی صحیح می‌تواند همگان و به‌ویژه جوانان را در فائق‌آمدن بر نومیدی، سرخوردگی و خروج از حیرت و سرگشتگی یاری رساند. در این زمینه مقالات و کتاب‌های بسیاری نگارش شده‌است که از جمله می‌توان به کتاب راه‌های



تقویت باورهای دینی، تألیف حمید نگارش و مقاله‌های «راه‌های تقویت باورهای دینی» اثر مسعود رستنده؛ «مسجد، تقویت باورهای دینی، سلامت اجتماعی» نوشته سید عبدالقادر حسینی؛ «تقویت باورهای دینی در معارف و اخلاق اسلامی» نگاشته محمد سالاری و «نقش والدین در تقویت باورهای دینی فرزندان» نوشته فاطمه سادات حسینی و پژمان شیرمردی اشاره کرد.

مفهوم‌شناسی

دین

لغت‌شناسان برای دین، معانی مختلفی همچون طاعت، جزا، عادت، قهر، استیلا، تدبیر، سیره و ... بیان کرده‌اند (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ص ۳۱۹؛ ابن منظور، بی تا، ج ۳: ص ۱۶۷؛ طوسی، بی تا، ج ۱: ص ۳۶؛ دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۷: ذیل واژه دین). در آیات قرآن نیز دین به معنای جزا، شریعت، کیش و آیین، راز و نیاز و دین اسلام به کار رفته است (ر.ک: فاتحه: ۴؛ حجر: ۳۵؛ آل عمران: ۸۳؛ شوری: ۲۱؛ عنکبوت: ۶۵؛ توبه: ۳۳). البته واژه دین به طور انتزاعی شاید بیش از یک معنای اساسی نداشته باشد که همان تسلیم، خضوع و فرمان برداری کامل و خالص در برابر احکام تکوینی و تشریحی خداوند است؛ اما در هر جمله و در هر موقعیت تازه‌ای، می‌تواند معنای نسبی ویژه همان جمله را دارا باشد. علت گوناگونی و فراوانی معانی دین نیز جملات بسیاری است که در موقعیت‌های گوناگون تاریخی و جغرافیایی پدید آمده و معنای واژه دین را در خود داشته است (طهماسبی، ۱۳۷۸: ص ۶۳).

در میان اندیشمندان اختلاف نظرهای فراوانی در تعریف دین وجود دارد؛ اما مقصود از دین در این مقاله «شیوه رفتار صحیح انسانی، آن‌گونه که خداوند می‌خواهد» (مصباح، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۳۸) می‌باشد. از منظر قرآنی کسی دیندار است که رفتار او موجب رضایت خدای سبحان باشد (ر.ک: بینه: ۸؛ توبه: ۱۰۰؛ نساء: ۱۱۴؛ آل عمران: ۱۶ و ۱۷).

جوان

واژه «جوان» در زبان فارسی به معنای هر چیزی است که عمر چندانی از آن نگذشته باشد؛ اعم از انسان، حیوان یا درختی که به میانه عمر طبیعی خود رسیده باشد (معین، ۱۳۷۵، ج ۱: ص ۱۲۴۹؛ عمید، ۱۳۷۹: ص ۴۷۴). در فرهنگ عربی نیز دو تعبیر رایج درباره جوان وجود دارد. «فتی» از ریشه

«فَتَى» و «فَتَوًا» به معنای طراوت و شادابی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۴۷۳) و «شَاب» از ریشه «شَبَبَ» به معنای شکوفایی و بر خورداری از حرارت (ابن فارس، ۱۴۰۴: ص ۶۲۵) است.

دین‌باوری و دین‌گریزی در جوانان

دین‌باوری و دین‌پذیری، یکی از روحيات ارزشمند بشری است که نتیجه حق‌طلبی و فضیلت‌خواهی فطری انسان است. این روحیه به اعتراف بسیاری از روان‌شناسان، در آغاز دوران جوانی به شدت فعال شده و رشد می‌کند. تمایل فطری جوانان به مذهب بسیار شدید است و از نظر روان‌شناسان بین بحران تکلیف و جهش‌های مذهبی افراد ارتباط انکارناپذیری وجود دارد (ر.ک: شاه‌جعفری و تقی‌زاده، ۱۳۹۵: ص ۳۵۸-۳۴۵). این در حالی است که روحیه دین‌پذیری و دین‌باوری در میان جوانان مانند دیگر روحيات جوانی بر اثر گذر ایام ضعیف می‌شود؛ در ذات دین هیچ‌گونه عنصر خردگریزی وجود ندارد اگر جوانان به دریافت معارف دینی نائل آیند، در هیچ رتبه‌ای از دین نمی‌گریزند.

جوانان باید بیاموزند که حقیقت دین، شیوه رفتار صحیح انسانی است، آن‌گونه که خدا می‌خواهد (مصباح، ۱۳۷۷: ص ۳۸) و از نگاه قرآن، دیندار واقعی کسی است که اعمال و رفتارش موجب رضایت خدای سبحان شود. چنین نگرشی از دین، می‌تواند مانع دین‌گریزی آنان شود؛ زیرا دین‌گریزی چیزی جز کم‌رنگ‌شدن ایمان و کم‌نورشدن چراغ دین و نافرمانی از اوامر الهی که از سوی انبیا و ائمه علیهم‌السلام نازل شده نیست (اصفهانی، ۱۳۸۲: ص ۴۰).

دین افزون بر ایجاد هماهنگی و تعادل در غرایز و نهاد آدمی، سبب بازگشت به خویشتن می‌شود؛ یعنی انسان را از بی‌خودی درآورده و با مبدأ خود آشنا می‌سازد و مانع حیرانی و سرگردانی او می‌شود (کافمن، ۱۹۸۱). رویگردانی از دین و دین‌گریزی زمانی رخ می‌دهد که از دین و کارکردهای دینی معنای صحیحی ارائه نگردد و پرسش‌های ذهنی و شبهه‌ها برای آنان پاسخ در خوری نیابد.

راهکارهای تعمیق دین‌پذیری و دین‌باوری

هیچ‌کس نمی‌تواند به طور کامل با دین قطع رابطه کند؛ زیرا دین امری فطری است و از انسان جداشدنی نیست؛ چنانکه قرآن کریم نیز به این حقیقت اشاره دارد: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا



يَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» (روم: ۳۰). اگرچه ممکن است که دینداری برخی افراد برای مدتی کم‌رنگ و ضعیف شود یا فردی دین خود را تغییر دهد و دین دیگری انتخاب کند، هیچ کس نمی‌تواند برای همیشه بی‌دین باشد. از دیگر سو جوانی، دوره مهم و پرحادثه‌ای است؛ به گونه‌ای که بر دیدگاه و اندیشه جوان تأثیرات ناگهانی می‌گذارد که تا مدت‌ها ادامه خواهد داشت. میزان تغییر در نگرش و رفتار جوان در این دوره بسیار زیاد است. زندگی عاطفی‌اش (انفعالی) توسعه می‌یابد و سرعت دگرگونی‌هایش با رشد جنسی همراه است. همچنان‌که الگوهای رفتاری‌اش تغییر می‌یابد، ارزش‌هایش نیز دگرگون می‌شود.

جوانان نه تنها دین ستیز نیستند؛ بلکه دین‌باور و معنویت‌گرا بوده و از کارکردهای ناروایی که به نام دین تمام می‌شود، به شدت رنج می‌برند. بی‌تردید عوامل متعددی مانند ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روانی زمینه‌گریز جوانان را از دین فراهم می‌کند. برای تقویت باورهای دینی جوانان، باید عوامل شکاف‌ساز میان دین و جوانان را شناخت و با زدودن این موانع، پیوند میان جوانان و دین را عمیق‌تر ساخت (ر.ک: امینی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۸۶-۶۵).

۱. معرفی و ارائه الگوهای شایسته

الگو در لغت به معنای سرمشق، مقتدا، مثال و نمونه است (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۲: ص ۲۷۷۹). در قرآن کریم واژه «أسوه» به کار رفته و به معنای حالتی است که انسان هنگام پیروی از غیر پیدا می‌کند (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ذیل ماده «أسأ»؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ص ۹۰). همچنین به معنای اقتدا و پیروی آمده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ص ۲۸۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ص ۹۰). قرآن بر معرفی الگو به اهل ایمان توجهی تام دارد (احزاب: ۲۱؛ ممتحنه: ۴) و در آیات متعددی پیامبر خود را، به یادآوری الگوها فرامی‌خواند؛ الگوهایی که پیش از زمان پیامبر ﷺ می‌زیستند (مریم: ۴۱، ۵۱، ۵۶). قرآن، پیامبر اکرم ﷺ را نیز الگوی همیشگی معرفی می‌کند که به صدر اسلام اختصاص ندارد و در روش الگودهی نیز مردم را به انتخاب آگاهانه دعوت می‌کند و از پیروی کورکورانه برحذر می‌دارد (زخرف: ۲۳-۲۴). روان‌شناسان نیز الگوگیری را فرایندی دانسته‌اند که شخصی طی آن رفتارهایی را از طریق مشاهده یاد می‌گیرد و آنها را بازتولید می‌کند (پرین، ۱۳۸۱، ج ۲: ص ۲۱۴).

در هر مقطع سنی، الگوهای جذاب برای یادگیری و شکل‌دهی رفتار انسان‌ها و به‌ویژه جوانان، نقش اساسی و مهمی دارد؛ زیرا الگو از یک‌سو در دستیابی به هدف نقش مهمی دارد و از دیگر سو، در دوره جوانی تأثیرپذیری از خانواده بسیار کم‌رنگ‌تر می‌شود. جوان به دلیل برخورداری از فطرت پاک و گرایش به آرمان‌های انسانی، آمادگی بسیاری برای پیروی و بهره‌گیری درست از الگوها دارد. ارائه و معرفی نمونه عینی انسان دین‌باور به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به جوان، می‌تواند پیوند عمیق‌تری میان او و باورهای دینی ایجاد کند؛ زیرا وی بدین وسیله می‌تواند تحقق دین‌داری و ثمرات آن را مشاهده و از آن پیروی کند. این همان روشی است که دشمن در راه جدایی جوان از دین، از آن بهره می‌جوید. دشمنان با ارائه الگوهای ضد دینی به جوان در قالب افراد برتر، برجسته و موفق در فیلم‌ها و سریال‌ها، ضمن الگوسازی در جهت ایجاد شکاف میان جوان و دین، چهره‌ای منفی از الگوهای دینی ارائه می‌دهند.

بنا بر پژوهشی از دانش‌آموزان سال سوم متوسطه شهر تهران، سریال امام علی علیه السلام، بالاترین تأثیر را در جذب دانش‌آموزان به زندگی و شخصیت آن حضرت داشته است (کلبلی، ۱۳۸۴: ص ۷۵۹). با نمایش فیلم محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در اتریش، ۹۰۰۰ نفر نام فرزند خود را حمزه گذاشتند و ۴۰۰۰ نفر نیز در آن سال مسلمان شدند. نمایش فیلم زندگی‌نامه یکی از اولیای مذهبی مسیحیان نیز سبب شد ۱/۵ میلیون نفر در آفریقا مسیحی شوند (ساجدی، ۱۳۹۵: ص ۲۹۳-۲۹۷).^۱

۲. انذار و تبشیر

انذار به معنای خبردادنی است که به دنبال آن ترس باشد؛ چنانکه تبشیر نیز نوعی آگاهی‌بخشی است که فرد را خوشحال کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ذیل واژه «الانذار»؛ طریحی، ۱۴۰۸: ذیل ماده «نذر»). دین‌باوری، پایبندی به تکالیف و محدودیت‌هایی را در پی دارد؛ ازاین‌رو باید با روش‌هایی از جمله انذار و تبشیر، تحمل این تلخی را بر جوان آسان کرد. جوان از سویی مشتاق تبشیر و از سوی دیگر مرعوب انذار است؛ بنابراین باید در ارائه آموزه‌های حاوی ترس و امید، هماهنگ با موقعیت جوان عمل کرد و از مسیر اعتدال خارج نشد. پژوهش‌های تجربی و میدانی نیز از نقش چشمگیر پیام‌های ترسناک در بازدارندگی رفتاری خبر می‌دهد.

۱. به نقل از مجله Inquiry. گفتنی است در روش الگویی، باید از آسیب‌هایی مانند تاریخی جلوه‌دادن اسوه‌های دینی و تلقی فرانسائی از آنها اجتناب شود.



قرآن کریم توجه به هر دو عنصر بشارت و انذار را در تربیت لازم می‌شمرد (احزاب: ۴۵) و خود نیز برای هدایت انسان‌ها، از هر دو شیوه بهره برده است (بقره: ۲۶۱؛ یس: ۷۰؛ طه: ۱۱۳). انذار در قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا انسان‌ها بر دفع مفسده و ضرر، بیش از جلب منفعت ترتیب اثر می‌دهند؛ از این رو تقدم انذار بر تبشیر در برخی آیات الهی، نکته روان‌شناختی دارد. چنانکه روان‌شناسان معتقدند افزون بر رفتار، انگیزه‌های درونی که بر اساس اصل بازگشت به تعادل بر رفتار آدمی تأثیر می‌گذارد، محرک‌های بیرونی نیز در حد گسترده‌ای رفتار آدمی را تغییر می‌دهد (شاملی، ۱۳۷۹: ص ۱۸). شهید مطهری انذار را عاملی سوق‌دهنده می‌داند که در عین اینکه مردم را بیم می‌دهد تا از کفر اجتناب کنند، آنها را به صراط مستقیم رهنمون می‌سازد. همچنین تبشیر، عاملی است که جلب‌کننده دل‌هاست و مردم را به کسب پاداش فرا می‌خواند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۶: ص ۱۵۵). زیرا ساختار روان‌شناختی بشر بر این اصل استوار است که به سود و زیان خود می‌اندیشد. البته نباید انذار را به اشتباه با واکنش‌های اهانت‌آمیز یا سرزنش‌های افراطی یکسان پنداشت. این دو نوع برخورد یا واکنش، همیشه دارای نتایج معکوس است. در یکی از واکنش‌های امام علی علیه السلام نسبت به یک مرد یهودی که آن حضرت را به سبب این ادعای شگفت‌آور که «پیش از آنکه مرا از دست بدهید، از من پرسید» مورد عتاب قرار داده بود، با سعه صدر فراوان دلیل این ادعا را برای وی شرح داد. مرد یهودی متقاعد نشد و بیشتر گستاخی کرد. برخی از مسلمانان برخاستند تا او را به دلیل اهانتش به امام علیه السلام از مسجد بیرون بیندازند، ولی امام علیه السلام فرمود: «حجت‌های خدا از طریق پرخاش و واکنش‌های خشونت‌بار پابرجا نخواهد شد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ص ۱۲۶).

فخررازی در تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌نویسد: «در این آیه واژه «مبشرین» پیش از «منذرین» آمده است؛ زیرا تبشیر بسان پیشگیری از بیماری است، در حالی که انذار همانند درمان بیماری پس از وقوع آن است. بی‌تردید همیشه، تبشیر و پیشگیری قبل از درمان ایفای نقش می‌کند. انذار نوعی تلنگر شناختی است؛ در حالی که تبشیر نوید و وعده‌ای ترغیب‌کننده است» (فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۶، ص ۳۷۲ و ۳۷۳).

نکته مهم دیگر در انذار و تبشیر، رعایت تناسب هر یک به مقتضای وضعیت جوان است. اگر او به دلیل امیدهای نابه‌جا، خطرهای راه دین‌ستیزی را فراموش کرده و مسیر خطا را می‌پیماید، باید در مورد پیامدهای انحراف خویش انذار شود؛ ولی اگر به یأس درغلتیده و امکان خلاصی از



گناهان و عذاب را دور می‌بیند، به عامل تشویقی و دلگرم‌کننده نیاز دارد (پراتکانیس، ۱۳۸۰: ص ۱۸۷-۱۸۹).

۳. معرفی و تبیین صحیح دین و کارکردهای آن

اگرچه اصل دین و اصول آن ثابت و تغییرناپذیر است، از دین می‌توان برداشت‌های گوناگون داشت. نوع برداشت و تلقی از دین، نقش اساسی در ترویج دین یا ایجاد تنفر از آن دارد؛ ازاین‌رو برای تقویت باورهای دینی جوانان و دین‌پذیری بیشتر آنان، باید قرائت صحیح و رسایی از مفاهیم دینی به جوان ارائه شود؛ چنانکه ارائه دین در قالب‌های نارسا و نادرست، می‌تواند آسیب اساسی به دین و دین‌داری وارد سازد. جان کلورر مونسما (John cloer Monsma) یکی از علت‌های ایمان‌نیابردن برخی از دانشمندان به خداوند را نارسایی مفاهیم دینی برشمرده و معتقد است ارائه تصویر ناقصی از خدا به انسان، سبب شد مفهوم خدا به‌کلی متروک و از صحنه فکر دانشمندان خارج شود (مونسما، ۱۳۶۲: ص ۶۰).

جامعه‌شناسان و روان‌شناسان معتقدند ما اکنون در عصری زندگی می‌کنیم که مشکل اصلی انسان، تنهایی است و زندگی ما توأم با آشفتگی و سرگردانی روحی است که به گونه‌ای خطرناک به حالت دیوانگی نزدیک شده است (بولتون، ۱۳۹۷: ص ۲۵؛ مورنو، ۱۳۹۴: ص ۱۰۰). انسان درگیر با این دغدغه‌ها و مشکلات روحی و روانی، دین را عاملی برای نجات خویش می‌بیند و به سمت آن می‌رود و آرامش و سعادت و رهایی از تنهایی را از آن می‌طلبد. اگر دین نتواند این خواسته را برآورد، طبیعی است که سبب گریز انسان از دین می‌شود.

معرفی و تبیین صحیح و شایسته دین و کارکردهای آن، می‌تواند نقش برجسته‌ای در جذب جوان و تقویت باورهای دینی وی داشته باشد. هرچه این تصویر واقعی‌تر و دلپذیرتر باشد، گرایش جوان نیز به سوی آن بیشتر است؛ زیرا جوان از نظر شناختی، دارای تفکر انتزاعی است و از نظر ذهنی به حداکثر کارایی هوش می‌رسد. امروزه گرایش جوان به فلسفه زندگی، او را به سوی مسائل اخلاقی، سیاسی و مذهبی سوق داده است. جوان می‌کوشد هویت مذهبی خود را شکل دهد، ولی به دلایل گوناگون ممکن است در فرایند هویت‌یابی مذهبی با بحران مذهبی مواجه شود و نتواند این هویت را خوب تشخیص دهد و در نتیجه دچار سردرگمی و درنهایت بی‌رغبتی و گریز از دین شود. این در حالی است که اگر دین به‌درستی معرفی شود و کارکردهای آن به‌خوبی به نمایش درآید، آرامش‌بخشی و سعادت‌آفرینی دین بیش از پیش بر جوان جلوه می‌کند



و او را به سوی دین جذب می‌کند. همچنان که خداوند می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸).

دانشمندان و روان‌شناسان نیز امروزه ثابت کرده‌اند معرفی صحیح دین و نمایش کارکردهای درست آن به مردم، تأثیر بسزایی بر سلامت روانی، کاهش علائم بیماری و کاهش ناراحتی و آشفتگی دارد؛ بنابراین میان دین و بهداشت روانی، رابطه مثبتی وجود دارد (سالاری فر و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۷۳). ویکتور فرانکل (Viktor Frankl) معتقد است: «التیام فرد و جامعه تنها با مراعات سه جنبه انسانی یعنی جسمی، روانی و دینی حاصل می‌شود و بیمار را باید با هسته معنوی خودش آشنا ساخت» (همان: ص ۱۷۱). این مسئله تنها زمانی می‌تواند به خوبی جوابگو باشد که دین و کارکردهای آن به درستی به همگان معرفی شود.

۴. ظرفیت و استعدادشناسی

تربیت و هدایت، امری تدریجی است که بر اساس توانایی‌های انسان پایه‌گذاری می‌شود؛ زیرا استعدادهای انسان بر مبنای توانایی‌هایش به تدریج شکوفا می‌شود. هنگام هدایت و تربیت جوان باید به تفاوت انسان‌ها از نظر استعداد و توانایی و مرتبه پذیرش دین و دین‌داری توجه خاص داشت. اگر انتظارهای دینی متناسب با استعداد و توانایی جوان نباشد و اگر سلوک دینی به تدریج صورت نپذیرد، بی‌گمان که دین‌پذیری و باورهای دینی جوان نیز آسیب می‌بیند. امام علی علیه السلام فرموده است: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاوَتْوَا فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا؛ خیر مردم در تفاوت آنهاست و اگر همه مساوی باشند، هلاک خواهند شد» (صدوق، ۱۳۷۶: ص ۴۴۶).

توجه‌نکردن به این نکته مهم و در نظر نگرفتن ظرفیت و استعدادهای افراد سبب می‌شود دین نقش واقعی خود را از دست بدهد و دین‌داری آن‌گونه که باید میسر نشود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰: ص ۱۷۵). در هدایت جوان و فراخوانی به سوی دین، باید به مراتب و ظرفیت وجودی او توجه ویژه شود تا انتظارات از او به‌واقع نزدیک‌تر شود. به عبارتی باید با هر مخاطبی به گونه‌ای خاص صحبت کرد و برای هر مریضی باید نسخه ویژه او را نوشت. از همین رو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ ما پیامبران مأمور شده‌ایم که با مردم به اندازه عقل آنها (و استعداد و ظرفیت‌شان) سخن بگوییم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ص ۶۹).

۵. محبت

دین، پیام‌آور محبت و هدایت برای انسان‌هاست و هرگز با خشونت سازگار نیست. مدارا، نرمی و

محبت، اگر در خدمت دین و سلوک دینی قرار گیرد، می‌تواند جوان را به آموزه‌های خود جذب کند. اظهار محبت و به‌کارگیری جملات عاطفی و پرجاذبه، برقراری روابط دوستانه با او، مساعدت‌های عملی به او در امور زندگی و رشد درسی، عیادت از او هنگام بیماری، گرفتاری و ناراحتی و ... جوان را آماده شنیدن و به‌یاد سپردن و نیز اجرایی کردن دستورهای دین می‌کند. از دیگر سو بخشی از نیازهای انسان در ارتباط با دیگران معنا می‌یابد؛ زیرا انسان موجودی اجتماعی است که بخشی از نیازهایش از طریق ارتباط با دیگران تأمین می‌شود. مزلو (Abraham Maslow) در طبقه‌بندی نیازهای انسان، نیاز به تعلق داشتن و عشق را از نیازهای اساسی و عالی انسان می‌داند. بی‌شاپ (Bishop) و اندریتزن (Inderbitzen) معتقدند ارتباط صمیمانه و دوستانه با دیگران، رابطه مثبتی با بسیاری از شاخص‌های سلامت روانی و سازگاری اجتماعی دارد (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۱۲-۱۱۳).

خشونت‌هایی که به نام دین انجام می‌شود و الزام‌هایی که در جهت دین‌پذیری صورت می‌گیرد، سبب دوری جوانان از دین می‌شود و تصویری خشن و همراه با فشار و ارباب از دین برای آنان بر جای می‌گذارد؛ درحالی‌که روح و جوهر دین چیزی جز محبت نیست. نیروی محبت از نظر اجتماعی نیز نیروی عظیم و شگرفی است. با کیمیای محبت است که می‌توان مس وجود را به زر تبدیل کرد و دوستی و ارتباط پایدار ایجاد کرد. محبت و عشق‌ورزی به جوان و توجه به این نیاز اساسی او، می‌تواند عامل قدرتمندی در جذب او به دین و تقویت باورهای دینی‌اش باشد؛ از همین رو خداوند نیز به پیامبر خویش می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پر مهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، به‌یقین از پیرامون تو پراکنده می‌شدند» (آل‌عمران: ۱۵۹).

۶. تقویت بینش دینی

ضعف معرفتی و عدم تفکر درباره دین و برداشت ناصحیح از معارف دینی، سبب دوری جوان از دین و سست شدن باورهای دینی‌اش می‌شود. جوان در شرایطی است که انواع غرایز و به‌ویژه غریزه جنسی و لذت‌طلبی در وجودش به اوج رسیده است. احاطه عوامل بیرونی که سبب برانگیختن شهوت او می‌شود، دشواری کار را برای او دوچندان می‌کند. اگر دین برای جوان به‌گونه‌ای معرفی شود که در تقابل با ضرورت‌های وجودی، طبیعی و فطری اوست، نه تنها دین‌پذیری و دین‌باوری‌اش دچار آسیب می‌شود؛ بلکه سبب گریز او از دین نیز خواهد شد. این



در حالی است که دین، جلوه رحمانیت خداست؛ پس نمی‌تواند در پی سرکوب نیازهای طبیعی انسان باشد. «کار دین، محررانز نیست؛ تعدیل و اصلاح، رهبری و حکومت و تسلط بر آنهاست؛ چون غرائز را نمی‌توان و نباید از بین برد؛ بنابراین در اجتماعاتی که با نام خدا و دین و مذهب برای نابودی غرایز قیام می‌کنند و خداپرستی را با زندگی، متضاد معرفی می‌کنند، خود این معانی و مفاهیم عالی، شکست خورده و مکتب‌های ضدخدایی و ضددینی رواج می‌گیرد» (مطهری، ۱۳۷۵: ص ۲۱۵). به‌راستی چگونه می‌شود که خداوند انسان را با نیازهای مناسب وجود و فطرتش بیافریند و غرایزی در وجودش قرار دهد، اما دین با آنها ناسازگار باشد. به‌یقین اگر ارائه دین به صورت سرکوب نیازهای طبیعی بشر باشد، ثمره‌ای جز گریز انسان از آن نخواهد داشت (شکوهی، ۱۳۸۶: ص ۱۸۷).

جوان به سبب روحیه حق‌طلبی و فضیلت‌طلبی، همیشه در پی یادگیری و جستجوی حق است. هر اندازه اجتماع و محیط دینی تر باشد، جوان نیز کشش و تمایل بیشتری به سوی دین و باورهای دینی دارد. وقتی شور و نشاط جوانان با فرهنگ پاک و پویای اسلام عجین شود، به بار می‌نشیند و همگان از ثمرهای آن بهره‌مند می‌گردند. دشمنان این نکته را به‌خوبی دریافته‌اند؛ از این‌رو به «باورهای اسلامی» حمله می‌کنند و می‌کوشند از هر طریق به‌ویژه تخریب دین و عالمان دینی و طرح شبهه‌های گوناگون، باورهای مذهبی را در وجود جوانان سست کنند. در چنین فضایی، عدم حمایت فکری از جوان، می‌تواند باعث روی‌گردانی وی از دین شود. چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرماید: «دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند، تنها یک تهاجم فرهنگی نیست؛ بلکه باید گفت یک شیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می‌کند» (بیانات در دیدار با فرماندهان گردان عاشورا، ۱۳۷۱).

پرسشگری و یافتن پاسخ مناسب، به‌ویژه در مسیر دین‌باوری برای جوان امری پسندیده است و اقتضای روحیه او و پلکان ترقی این گروه است؛ اما باقی ماندن در شبهه‌ها، او را از حرکت در مسیر الهی باز می‌دارد. چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَشْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُزَجَّجَةُ؛ نوجوانان و جوانان را دریابید و به آنان حدیث و دین بیاموزید، پیش از آنکه مرجئه (گروهی منحرف) بر شما پیش‌دستی کنند و جوانان را برابیند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ص ۳۳۱).

۷. معرفی چهره واقعی فرهنگ غربی

معرفی نظام حقوقی و سیاسی حقیقی اسلام به جوان و آشنایی با ارزش‌های پنهان و آشکار در جنبه‌های گوناگون و شفافیت‌سازی درباره شبهه‌ها و شایعاتی که وجود دارد، نه تنها چهره حقیقی دین را نمایان می‌سازد؛ بلکه پرده از حقیقت وجودی فرهنگ غربی نیز برمی‌دارد و به جوان می‌فهماند که جامعه غربی، یک جامعه ارزشمند به معنای واقعی نیست؛ بلکه سراب پوچی است که جوان را با نیرنگ و ظاهرسازی‌های زیبا به سوی خود جذب کرده و در گرداب هلاکت گرفتار می‌کند.

شور و نشاط جوانان وقتی با فرهنگ اسلام عجین شود، به بار خواهد نشست تا همگان از ثمرهای آن بهره‌مند شوند. دشمنان این نکته را به خوبی دریافته‌اند که به باورهای دینی جوانان هجمه می‌کنند و می‌کوشند از هر طریق باورهای مذهبی را در وجود جوانان کمرنگ کنند (باقری، ۱۳۹۶: ص ۲۳).

پی‌ریزی بیشی درست در زمینه فرهنگ اصیل اسلامی و معرفی چهره حقیقی فرهنگ غربی که نگاهی انسان‌محور و سکولار دارد و هدف انسان از زندگی را تنها کسب لذت می‌داند، می‌تواند چونان سنگری نفوذناپذیر جوان را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت کند و او را از کژروی‌ها و ناهنجاری‌ها باز دارد. شناسایی دشمن و اهداف وی، الفبای مبارزه است. برای رویارویی با یورش فرهنگی، باید با فرهنگ دشمن و ویژگی‌های آن آشنا شد.

فرهنگ غرب می‌کوشد با ترویج اندیشه رفاه‌مادی، بهره‌جویی و لذت‌بردن بی‌حد و لجام‌گسیخته در زندگی و در حقیقت زندگی در چهارچوب حیات مادی و حیوانی به دور از معنویت‌ها و اخلاق و انسانیت، ضمن ترسیم چهره‌ای خوشایند و رؤیایی از خود، جوانان اسلامی را به خود جذب کند. تمام تلاش‌های آنان درباره موجود مادی بودن انسان و بسیج کردن همه امکانات در مسیر لذت بیشتر سیر می‌کند؛ از این‌رو انسان با معنویت و باتقوایی را که از سرمایه‌های مادی بی‌بهره است، انسانی مرتجع و غیرمتمدن می‌دانند؛ ولی انسان بی‌بندوبار، رفاه‌طلب، سودجو، ثروت‌اندوز، چپاولگر و بی‌دین را انسانی متمدن، متشخص و هماهنگ با زندگی مدرن امروزی معرفی می‌کنند.

اگر جوان به‌خوبی فرهنگ غرب را بشناسد، درمی‌یابد که غربی‌ها، تافته جدا بافته نیستند و در اصل با ما تفاوت ندارند؛ برای مثال این‌گونه نیست که آنها اهل صداقت باشند و ما نباشیم یا در



آنها صافی باشد و در ما آلودگی؛ بلکه وجود چنین مسائلی در آنها مربوط به عوامل نظارتی است که به چنین فرهنگی در آنها منجر شده است. برای مثال در فروشگاه‌ها به ظاهر کسی ناظر اعمال مراجعه‌کنندگان نیست، ولی دوربین‌های مخفی و عوامل غیرمحسوس وجود دارند که اگر کسی مرتکب خلافی شود، با او برخوردهای شدیدی می‌شود. افراد مطمئن هستند که تحت مراقبت‌اند و کسانی ناظر آنها‌یند (ساجدی و نمازی، ۱۳۸۰: ص ۲۰۶).

استعمار با ارائه الگوهایی برای افراد جوامع می‌کوشد آنان را از نظر فرهنگی به خود وابسته و فرهنگ خود را به گونه‌ای القا کند که فرهنگ اصیل خویش را رها کرده و مجذوب فرهنگ او شوند. آنان با گسترده شدن دام‌های گوناگون می‌کوشند مردم دیگر ملل و به‌ویژه جوانان را با تطمیع به خود جذب کنند و در صورت ناکامی با نشر شایعات و اکاذیب به ترور شخصیت افراد مؤثر بپردازند. آنان حتی برای تحقق اهداف شوم خویش، دست خود را به خون پاک برگزیدگان و اندیشمندان و مجاهدان ملت آغشته می‌سازند که تاریخ انقلاب اسلامی ما، نمونه‌های فراوانی از این نوع ترندها در دل خود جای داده است. آنان در تلاش‌اند تا مذهب را که عامل بیداری، پویایی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌گستری و تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت است، به عامل تخدیری، انفرادی، انزواطلبی، ظلم‌پذیری، واپس‌گرایی و رهبانیت تبدیل کنند. به تعبیر امام خمینی؛ اسلام ناب محمدی را به اسلام آمریکایی مبدل نمایند (ر.ک: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۷۸: ص ۱۰۹؛ عباسی، ۱۳۸۶: ص ۷۵-۹۲).

۸. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از موانع گرایش به دین و دین‌باوری میل به بی‌بند و باری و راحت‌طلبی و نداشتن مسئولیت است که سبب می‌شود آدمی خود را در اختیار هوس و گناه قرار دهد و در پی درک لذت‌های محسوس و مادی و اشباع بی‌اندازه غرایز مادی و حیوانی باشد (شکوهی، ۱۳۸۶: ص ۲۵۲). از این رو امر به معروف و نهی از منکر به عنوان فریضه الهی بر همگان واجب شده است. امر به معروف و نهی از منکر دو بال بزرگ جامعه برای رسیدن به سعادت است. خداوند به جامعه‌ای که از عمل به این واجب الهی سستی ورزد و یا آن را ترک کند، عذابی عمومی را وعده داده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْتُوا بِوِقَاعٍ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى؛ هرگاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار نمایند، پس باید اجازه جنگ خود با خدا را بدهند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ص ۳۹۴).

جامعه‌ای که در انجام دادن این فریضه الهی کوتاهی ورزد، به‌گونه‌ای که هر کس به امید انجام آن به‌واسطه دیگری بنشیند و به دنبال یافتن راه فراری از این مسئولیت باشد، مورد نفرت خداوند است و در مسیر جنگ با خدا حرکت می‌کند.

هدف از امر به معروف و نهی از منکر، پیش‌گیری از گناه، گسترش و عادی‌سازی آن است. گناهایی که زمینه فساد و لذت‌جویی افراطی را فراهم، و التزام افراد جامعه اسلامی را به دستورهای دینی تضعیف می‌کنند. مهربانی با مردم، دعوت به خیر با محبت و لطافت، سخن‌گفتن با مردم به نیکی و توجه به خلق و خوی متفاوت مردم برای سخن‌گفتن، ویژگی‌هایی است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای آمران به معروف و ناهیان از منکر برشمرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷: ص ۸۳). روحیه لطیف و استقلال‌طلب جوان، تنها با امر و نهی سازگار نیست و این امر فضای دلکش و دوستانه تربیت را به جوّ دستوری حاکم و محکوم تبدیل می‌کند. به‌کارگیری زبان نرم و ناصحانه، دل‌شونده را نرم و آماده پذیرش می‌کند؛ همان‌گونه که بیان سخت و آمرانه، بر فاصله میان گوینده و شنونده می‌افزاید.

۹. بهره‌مندی از هنر برای ارائه آموزه‌های دینی

یکی از ابزارهای ضروری در عرصه تقویت باورهای دینی جوانان، کاربست هنر در این مسیر است. زبان هنر، زبانی بین‌المللی است. امروزه قالب‌های مختلف هنری اعم از شعر، داستان، نمایش‌نامه و اجرای تئاتر، نقاشی و گرافیک، خوشنویسی و حتی اجرای موسیقی به‌عنوان جذاب‌ترین و درعین‌حال رساترین ابزار جهت انتقال پیام مورد استفاده قرار می‌گیرد. اکنون رسانه یکی از مهم‌ترین ابزارهای است که همان‌گونه که توانسته نقش بسیار مهمی در ترویج فرهنگ غربی ایفا کند، می‌تواند در تقویت باورهای دینی جوان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

مستکبران عالم به‌خوبی دریافته‌اند تا زمانی که جوانان یک ملت به دینی الهی معتقد و به انجام دستورهای آن دین ملتزم باشند، نمی‌توانند بر آنها و بر ملت‌شان مسلط باشند؛ از این رو می‌کوشند از هر وسیله‌ای برای بیگانه‌کردن جوان از مبدأ هستی استفاده کنند. آنان در سده‌های گذشته برای رسیدن به این هدف، از ابزاری چون شعر و خطابه استفاده می‌کردند؛ ولی امروزه این ابزار جای خود را به رسانه‌های خبری همچون رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت داده‌اند.

امروزه رسانه و به‌ویژه فضای مجازی این قابلیت را دارد که به‌عنوان یک منبر مجازی به کار رود؛ منبری که تأمین‌کننده نیازهای دینی مخاطبان خود در این فضا باشد؛ از این رو باید زبان و سواد



رسانه‌ای را آموخت، از امکانات و محدودیت‌های آن آگاه شد و دانست که مخاطب دین در این عرصه با مخاطبان خاموش آن در عرصه‌های دیگر تفاوت جدی دارد (کیا، ۱۳۹۴: ص ۷۳).

تبلیغ چهره به چهره دین و معرفی آن به جوان، از دیگر ابزارهای هنری است که می‌تواند در تقویت باورهای دینی جوانان نقش بسزایی داشته باشد. این شیوه تبلیغ می‌تواند مانند یک تئاتر قوی و جذاب، جوان را در حس نمایش فروبرد و با خود همراه کند. خطیب توانمند با نگاه نافذ، بیان گرم و گیرا و محتوای مفید و درست، می‌تواند جوان را با خود همراه کند و حقیقت دین را برایش به تصویر بکشد. ترسیم هنرمندانه زیبایی‌های آموزه‌های دینی برای نسل نو، سبب می‌شود قله تربیت باورهای دینی آسان‌تر فتح شود. چنانکه امام رضا علیه السلام فرموده است: «فإنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا؛ اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را می‌دانستند، طریق ما را می‌پیمودند» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج: ۱، ص ۳۰۷).

نتیجه‌گیری

دین شیوه و روش زندگی است؛ روشی که هر انسانی بر اساس شناخت‌ها و گرایش‌های فطری آن را برمی‌گزیند و در دنیا، ناگزیر از پیمودن آن است و هدف از آن، رسیدن به سعادت واقعی است. نیاز شدید جامعه جوان به توسعه فرهنگ دینی و نهادینه‌سازی فضایل و کرامت‌های انسانی، تعیین و تبیین راه‌های تقویت باورهای دینی را بیش از پیش مورد توجه و تأمل متفکران و متولیان فرهنگی و دینی قرار داده است؛ به‌گونه‌ای که پویایی و کارآمدی نظام اسلامی به‌ویژه در عرصه فرهنگ در گرو تقویت باورهای دینی و توسعه اخلاق و فضایل انسانی است. حفظ جوانان به عنوان نیروهای کارآمدی که نقش برجسته‌ای در سازندگی جامعه دارند، از هجمه‌های دشمنان و شناخت آسیب‌های فردی و اجتماعی این هجمه‌ها، ضرورت تقویت باورهای دینی آنها و زدودن موانع دین‌پذیری و دین‌باوری را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

کتابنامه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۲. اصفهانی، ابراهیم (۱۳۸۲)، «نگاهی به عوامل جامعه‌شناسی و روان‌شناختی دین‌گریزی با تکیه بر یافته‌هایی از سوره مبارکه هود»، فصلنامه علمی ترویجی معرفت، ش ۶۴.
۳. امینی، جبار و همکاران (۱۳۹۱)، «علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاه‌ها در اصلاح آن»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات معرفتی، س ۱۶، ش ۱.
۴. باقری، عالیه (۱۳۹۶)، «علل دین‌گریزی جوانان و گرایش آنان به فرهنگ غرب و راهکارهای مقابله با آن»، دوماهنامه نخبگان علوم و مهندسی، ش ۸.
۵. بولتون، رابرت (۱۳۹۷)، روانشناسی روابط انسانی (مهارت‌های مردمی)، ترجمه: حمیدرضا سهرابی و افسانه حیات روشنایی، تهران: رشد.
۶. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۳۷۱)، بیانات در دیدار با فرماندهان گردان عاشورا.
۷. پراتکانیس، آتونی (۱۳۸۰)، عصر تبلیغات، ترجمه: کاووس سید امامی و محمدصادق عباسی، تهران: سروش.
۸. پرین، لارنس (۱۳۸۱)، روان‌شناسی شخصیت: نظریه و تحقیق، ترجمه: محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، چ ۵، تهران: رسا.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۱۰. حسینی‌زاده آرانی، سیدحسین و عبدالحسین کلانتری (۱۳۹۴)، «دین، سلامت روان و احساس تنهایی؛ بررسی نسبت میان دینداری و سلامت روان با احساس تنهایی (مطالعه موردی شهروندان تهرانی)»، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۴.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹)، دولت آفتاب، تهران: انتشارات دریا.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، لغت‌نامه، چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۳. _____ (۱۳۳۷)، لغت‌نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق: دار القلم - الدار الشامیه.



۱۵. ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، دین‌گریزی چرا؟ دین‌گرایی چه سان؟ تعلیم و تربیت دینی نسل نو، آسیب‌شناسی و درمان، چ ۵، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۶. _____ و محمود نمازی (۱۳۸۰)، «عوامل تضعیف و تقویت خودباوری فرهنگی و علل گرایش جوانان به فرهنگ غیرخودی»، ماهنامه معرفت، ش ۴۵.
۱۷. سالاری‌فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰)، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. شاملی، عباسعلی (۱۳۷۹)، «جایگاه انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران (نگرش قرآنی)»، ماهنامه معرفت، ش ۳۳.
۱۹. شکوهی، علی (۱۳۸۶)، عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث، چ ۳، قم: بوستان کتاب.
۲۰. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۲۱. _____ (۱۳۷۶)، الامالی، تهران: کتابچی.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۳. طریحی، محمد بن حسن (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. طهماسبی، علی (۱۳۷۸)، دغدغه‌های فرجامین: پژوهشی در معناشناسی واژه دین، تهران: یادآوران.
۲۶. عباسی، محمد (۱۳۸۶)، «عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب»، ماهنامه معرفت، س ۱۶، ش ۵.
۲۷. عمید، حسن (۱۳۷۹)، فرهنگ عمید، چ ۱۹، تهران: امیرکبیر.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق)، کتاب العین، قم: اسوه.
۲۹. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. کلبعلی، ایران‌دخت (۱۳۸۴)، بررسی محتوای کتاب‌های (تعلیمات دینی - تعلیمات اجتماعی و ادبیات فارسی) مقطع ابتدایی و راهنمایی در رابطه با آشناسازی دانش‌آموزان با ارزش‌های اسلامی و ایرانی، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. کیا، علی اصغر و هانیه نقدی (۱۳۹۴)، «نقش پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی بر تقویت دینداری از نگاه دانشجویان»، فصلنامه علوم خبری، ش ۱۵.
۳۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۵. مصباح، محمدتقی (۱۳۷۷)، آموزش عقاید، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، چ ۸، قم: صدرا.
۳۷. _____ (۱۳۷۵)، علل گرایش به مادیگری، چ ۸، تهران: انتشارات صدرا.
۳۸. معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ معین، چ ۱۰، تهران: امیرکبیر.
۳۹. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه (۱۳۷۸)، تهاجم فرهنگی، تهران: انتشارات معاونت فرهنگی سپاه.
۴۰. میرشاه جعفری، ابراهیم و محسن تقی‌زاده (۱۳۹۵)، «واکاوی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر دین‌پذیری دانشجویان»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، س ۲۰، ش ۳.
۴۱. مورنو، آنتونیو (۱۳۹۴)، یونگ، خدایان و انسان مدرن، ترجمه: داریوش مهرجویی، چ ۸، تهران: نشر مرکز.
۴۲. مونسما، جان کلوور (۱۳۶۲)، اثبات وجود خدا، ترجمه: احمد آرام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

Kafman, g.d (1981), *The Theological Imagination: Constructing the Concept of God*, Philadelphia: Westminster Press.